

مسأله #فلسطین امروز دل پیامبر(ص) را خون کرده است

شهید مطهری

متفکران انقلابی ما از همان ابتدا جزو پیشروان تقابل با اسرائیل شناخته می‌شدند. بسیاری از علما و روشنفکران ایرانی از ده‌ها سال پیش در سخنرانی‌های خود؛ نسبت به رژیم صهیونیستی و جنایت‌های او در سطح جامعه روشننگری کردند. آنچه که در ادامه می‌خوانید، متن مربوط به سخنان استاد مطهری در کتاب حماسه حسینی درباره مسأله فلسطین است و رژیم اشغالگر قدس است

اگر می‌خواهیم به خودمان ارزش بدهیم، اگر می‌خواهیم قیمت پیدا کنیم، اگر می‌خواهیم در نزد خدا و پیغمبر خدا محترم باشیم، در نزد ملل جهان محترم باشیم، باید این اصل را زنده کنیم. اگر پیغمبر اسلام زنده می‌بود، امروز چه می‌کرد؟ درباره چه مسأله‌ای می‌اندیشید؟ والله و بالله قسم می‌خورم که پیغمبر اکرم در قبر مقدسش امروز از یهود می‌لرزد. این یک مسأله دودوتا چهارتاست. اگر کسی نگوید، گناه کرده است. من اگر نگویم والله مرتکب گناه شده‌ام، و هر خطیب و واعظی اگر نگوید مرتکب گناه شده است. والله و بالله ما در برابر این قضیه مسؤولیم. به خدا قسم مسؤولیت داریم. به خدا قسم ما غافل هستیم. والله قضیه‌ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است

تحریف تاریخ

گذشته از جنبه اسلامی، فلسطین چه تاریخچه‌ای دارد؟ قضیه فلسطین مربوط به دولتی از دولت‌های اسلامی هم نیست؛ مربوط به یک ملت است، ملتی که او را به زور از خانه‌اش بیرون کرده‌اند. تاریخچه فلسطین چیست؟ مدعی هستند که در سه هزار سال پیش دو نفر از ما (داود و سلیمان) برای مدت موقتی در آنجا سلطنت کرده‌اند. تاریخ را بخوانید؛ در تمام این مدت دو سه هزار ساله، کی بوده است که سرزمین فلسطین به یهود تعلق داشته است؟ کی بوده است که بیشتر سرزمین فلسطین مال ملت یهود باشد؟ آیا بیشتر سرزمین فلسطین از آن روزی که مسلمین فلسطین را .ملت یهود است؟ قبل از اسلام هم مال آنها نبود، بعد از اسلام هم مال آنها نبود فتح کردند، فلسطین در اختیار مسیحی‌ها بود نه در اختیار یهودی‌ها و اتفاقاً مسیحی‌ها که با مسلمین صلح گفتند: ما با شما .کردند، یکی از مواردی که در صلح‌نامه گنجانند این بود که شما یهود را در اینجا راه ندهید زندگی می‌کنیم ولی با یهود زندگی نمی‌کنیم. چطور شد که یک‌دفعه نام وطن یهودی به خود گرفت؟ یکی از قضایایی که کارنامه قرن ما را تاریک می‌کند (این قرن) که به دروغ نام حقوق بشر، نام آزادی، نام انسانیت بر آن گذاشته‌اند) همین قضیه است

قصه پر غصه تشکیل دولت اسرائیل

یهودی‌های دنیا بعد از اینکه از ملت‌های غیرمسلمان زجر و شکنجه و آزار می‌بینند (در روسیه، آلمان و بسیاری از نقاط دنیا)، بزرگان‌شان می‌نشینند می‌گویند تا وقتی که ما در اطراف دنیا متفرق هستیم، در هر جا اقلیتی هستیم، سرنوشت ما همین است. ما باید مرکزی را انتخاب کنیم و همه‌مان آنجا جمع شویم، اتباع مذهب یهود آنجا جمع شوند. اول هم جایی را که فکر نمی‌کنند، فلسطین است؛ جاهای دیگر را فکر می‌کنند. بعد، جنگ بین الملل اول پیش می‌آید. (البته من خلاصه‌اش را عرض می‌کنم. می‌توانید کتاب‌هایی را که در این زمینه نوشته شده است بخوانید.) متفقین با عثمانی‌ها می‌جنگند. اعراب ساده لوح که از حکومت عثمانی به ستوه آمده بودند از داخل، علیه حکومت عثمانی جنگیدند به وعده اینکه به خود آنها در مقابل، تحریک متفقین را پذیرفتند. عثمانی‌ها استقلال بدهند.

انگلیس‌ها به این‌ها قول قطعی دادند که ما به شما استقلال می‌دهیم به شرط اینکه به نفع ما با عثمانی‌ها بجنگید. این بی‌چاره‌ها جنگیدند. در خلالی که این بدبخت‌های نادان ناآگاه داشتند با دولت تاحدودی اسلامی خودشان می‌جنگیدند، انگلستان قول و قرار خودش را با حزب صهیونیسم که تازه تشکیل شده بود محکم کرد که فلسطین را به شما می‌دهیم در قلب کشورهای اسلامی. جامعه ملل به وجود می‌آید و تصویب می‌کند که در دنیا ملت‌هایی هستند که چون رشد ندارند، ما باید برایشان سرپرست معین کنیم تا اینها را اداره کنند. درواقع می‌خواستند ارثیه عثمانی‌ها را تقسیم کنند. قسمتی از آنها را دادند به فرانسه، قسمتی را دادند به انگلستان و... از جمله جاهایی که انگلستان گرفت فلسطین بود. گفت من قیم و سرپرست شما هستم؛ رسماً شد کفیل. صهیونیست‌ها «یعنی یهودیانی که ده‌ها قرن» بعد به صهیونیست‌ها وعده داد که من اینجا را به شما می‌سپارم بود که در گوشه‌های دیگر دنیا زندگی می‌کردند و از نژادهای دیگر بودند. من خودم فکر می‌کردم که یهودیان موجود، همه از نسل اسرائیلند. حالا می‌بینم تاریخ تشکیک می‌کند، می‌گوید این حرف دروغ است.